



در این شماره می‌خوانید:

صورت جلسه ماه مارس ۲۰۱۴

گزارش جشن نوروز

تقدیم به همه فعالین جشن‌های انجمن

خوشامدگوئی سخنگوی هیئت مدیره در شب جشن نوروز

جشن نوروز ۱۳۹۳

باز هم نوروز

به نقل از دکتر حسابی

گزارشی از مذاکرات سندیکاها با نماینده مجلس فرانسه

خوداشتغالی و نارسایی‌های اجتماعی

به مناسبت درگذشت باستانی پاریزی و ریچارد فرای

انجمن تاکسیران یک انجمن مستقل و دمکراتیک، صنفی و فرهنگی است
«ماهنامه انجمن»، زیر نظر هیئت مدیره انجمن تاکسیران

صورت جلسه ماه مارس ۲۰۱۴

جلسه عمومی انجمن در ماه مارس کلاً اختصاص به روز جهانی زن داشت. در سال‌های گذشته مراسم روز جهانی زن در محل تجمع انجمن تشکیل می‌شد ولی امسال برای اولین بار بزرگداشت این روز در سالن بزرگ و فرهنگی AGECA واقع در پاریس ۱۱ برگزار شد.

با اینکه انتظار نمی‌رفت که افراد زیادی در این مراسم شرکت کنند ولی استقبال اعضای انجمن و خانواده‌های عزیز آنها و همکاران بقدری زیاد بود که نه تنها صندلی‌های سالن پر شده بود، بلکه عده‌ای نیز ایستاده به تماشای مراسم خیره شده بودند.

این برنامه با سخنرانی‌هایی حول سوزهای مهمی که زنان در جامعه با آن مواجه هستند و همچنین صحبت پیرامون حقوق زنان، خشونت نسبت به زنان در جامعه مدرن و صنعتی، در جامعه در حال رشد و همینطور در جامعه عقب مانده (از نظر صنعتی و از نظر فرهنگی) تشکیل می‌شد.

برنامه با ساز آقای مایلی همراه با تنبک آقای فرهاد و آواز جذاب پسرشان سیروس مایلی شروع شد که آرامش خاصی در سالن ایجاد کرد. سپس مجری برنامه پس از خیرمقدم و تشکر از کلیه شرکت کنندگان از مسئول انجمن دعوت کرد که بخش اول سخنرانی را که در باره «تاریخ مبارزات زنان در فرانسه» بود ایراد کند (متن کامل سخنرانی در شماره ماه مارس ماهنامه «ویژه روز زن» به چاپ رسیده است).

پس از آن ژیللا شعر آهنگی را دکلمه کرد که این آهنگ امروز از طرف سازمان ملل برای حمایت علیه نابرابری جنسی و خشونت علیه زنان منتشر شده است. هنرمندان زن از ۲۰ کشور جهان از آفریقا تا اروپا و چین و ژاپن و آمریکا و غیره در اجراء آن شرکت داشتند.

قابل ذکر است هنگامی که ژیللا مشغول خواندن این شعر بود ویدئو این آهنگ نیز هم‌زمان نمایش داده شد و ترکیب این دو با هم، بخصوص دکلمه شعر زیبا که ژیلای عزیز با تمام احساس و با حالت کاملاً دوست داشتنی قرائت می‌کرد تمامی شرکت کنندگان حاضر در سالن را شدیداً تحت تأثیر قرار داد و باعث گرمی و توجه بیشتر حضار به مراسم شد (متن کامل این شعر در ماهنامه این ماه

به چاپ رسیده است).

در قسمت بعدی سخنرانی، نوبت به آقای بهرامی عضو هیئت مدیره امسال رسید که مقاله‌ای در باره روز جهانی زن همراه با شعری زیبا از فروغ فرخزاد، ایراد کرد که مقاله ایشان تحت عنوان «به بهانه هشتم مارس» در ماهنامه ماه مارس «ویژه روز جهانی زن» منتشر شده است و مقدمه سخنرانی (شعر فروغ) در این شماره ماهنامه مندرج است.

در بخش بعدی برنامه نوبت به موسیقی ایرانی رسید که توسط همکاران عزیز و گرامی آقایان داریوش معراجی (آواز)، فرهاد (تنبک) و داریوش (سنتور) اجرا شد و شور و حال دیگری به سالن داد و گروه موسیقی به قدری کار خودشان را عالی اجرا کردند که با تشویق بسیار بسیار زیاد مدعوین توأم بود که این باعث افتخار انجمن می‌باشد. همچنین خانم عراقی‌نواز شعری را دکلمه و چند ترانه قدیمی اجرا کرد. سپس سخنی کوتاه در باره روز زن توسط Mme Chalabi ایراد شد و در ادامه سوسن مطلبی شعر مانند در باره زنان و ریشه‌یابی فرهنگ سنتی نسبت به زنان بیان کرد و قسمت آخر سخنرانی اختصاص به موضوع «خشونت نسبت به زنان» در سراسر جهان داشت که توسط نماینده هیئت تحریریه بیان گردید (به علت حجم زیاد مقالات در این ماه متن این مقاله در شماره آینده ماهنامه به چاپ خواهد رسید).

پایان برنامه همراه با نمایش فیلمی بود از ناصر تقوایی به نام «زنان و حرفه‌های صنعتی» که در سال ۱۳۴۹ شمسی تهیه شده بود و موضوع آن مصاحبه با زنانی بود که در رأس کارهای مهم و تخصصی قرار داشتند و تهیه کننده فیلم اصرار بر این موضوع داشت که این حرفه‌ها که در اجتماع آن روز کاملاً مردانه است چگونه به وسیله زنان آن دوره اداره می‌شوند و سؤال اصلی که در این مصاحبه مطرح می‌شد این بود که آیا شما زنان مدیر، آرزو نداشتید که یک مرد بودید! که تمامی جواب‌ها خوشبختانه منفی بود که این نشان دهنده استقلال و آزادی فکری و قدرت عمل و توانایی زنان را نشان می‌دهد که می‌توانند با تلاش و کوشش و پشتکار، موفق و پیروز در هر نوع کار و در هر جامعه‌ای باشند. برنامه با صرف شام و نوشابه به پایان رسید.

پژواک این برنامه بین ایرانیان مقیم فرانسه بسیار

با ستاره آشنا نبوده‌ام
روی خاک ایستاده‌ام
با تنم، که مثل ساقه گیاه
باد و آفتاب و آب را
میمکد که زندگی کند.
شعری که توسط ژیلا در مراسم «روز جهانی زن»
خوانده شد

یک زن

در کیگالی چشم بر جهان گشوده است
در هانوی، در ناتال و رام‌الله و تانقیه
عزم استوار کرده،
نفسی تازه می‌کند،
و فریادی برمی‌کشد.
در لاهور، در لاپاز و در کامپالا
اگرچه او به فاصله‌ای دور از نیمی از جهان با منست
در دلم چیزی مرا بر سخن وامی‌دارد:
ما همه «یک زنیم»!
تو فریاد برمی‌کشی
و من صدای ترا می‌شنوم،
چراکه ما همه «یک زنیم»!
هنگامی که تو آزرده خاطری
من نیز خاطرم آزرده است،
چرا که ما همه «یک زنیم»!
امید تو، امید من است
و روزی چون خورشید رخشان خواهیم بود.
در خوارز از حقیقت سخن می‌گوید
و گامی برداشته
و به دیگران می‌آموزد که سخن از حقیقت بر زبان آرند
در جی‌پور، نامش نام‌جی‌پور است
و در مانیلا و سالتا و امبو
اگرچه متفاوت از همیم
او و من، در پیوندیم.
ما همه «یک زنیم»،
شجاعت تو مرا قوی‌تر می‌سازد
چرا که ما همه «یک زنیم».
تو آواز سر می‌دهی
و من هم آواز توام چرا که ما همه «یک زنیم».
رویای تو رویای من است.
و روزی چون خورشید رخشان خواهیم بود.
چون خورشید رخشان خواهیم بود!
و مردی، صدای او را می‌شنود

مثبت بود و کاربرد اجرایی این برنامه در نمایاندن چهره
انجمن تاکسیران به عنوان انجمنی که فقط عده‌ای راننده
تاکسی ایرانی که ماهانه گرد یکدیگر جمع می‌شوند،
نبود، بلکه انجمنی که به مسئله زنان، به عنوان یک
مسئله جدی می‌نگرد و نسبت به زن و همکاران زن در
حرفه تاکسی و از آن مهم‌تر، ارزش والایی که برای روز
جهانی زن قائل است، نقش مهمی ایفا کرد.

برگزاری برنامه «روز جهانی زن» امسال انجمن
تاکسیران از چند نکته اساسی برخوردار بود:

۱ - کل برنامه‌ریزی که شامل سخنرانی‌ها،
موسیقی، شعرخوانی و نمایش فیلم بود به وسیله
همکاران تاکسی تهیه و انجام گرفت.

۲ - شرکت وسیع و استقبال همکاران و خانواده
آنان و دوستان خارج از انجمن.

۳ - نحوه برگزاری و حضور فعال زنان، انگیزه شرکت
در برنامه‌های دیگر انجمن را بوجود آورد و بسیاری از
شرکت‌کنندگان در پایان برنامه، اعلام آمادگی و
همکاری کردند و اولین تمایل آنها در همکاری برای
برگزاری جشن نوروز، جنبه عملی پیدا کرد.

هیئت تحریریه ماهنامه انجمن ضمن سپاس و
قدردانی از کلیه اعضای هیئت مدیره امسال انجمن
در رابطه با برگزاری روز جهانی زن، خاطرنشان
می‌کند که مجری اصلی و مبتکر و سکان‌دار این
مراسم مهم و برنامه‌ریزی‌های دقیق و تهیه مدارک و
فیلم و غیره این برنامه به وسیله مسئول انجمن،
زهره عزیز انجام گرفت. در ضمن از زحمات
عضودیدگر هیئت مدیره، خانم سوسن نیز که
همکاری‌های ایشان در آن شب فراموش نشدنی
است تشکر می‌کند.

به امید برگزاری مداوم و هرچه گسترده‌تر این
مراسم و برنامه‌های فرهنگی دیگر در انجمن تاکسیران.
با آرزوی موفقیت

هیئت تحریریه انجمن

مقدمه سخنرانی آقای بهرامی در جلسه «روز
جهانی زن» (از کتاب تولدی دیگر فروغ)

روی خاک

هرگز آرزو نکرده‌ام
یک ستاره در سراب آسمان شوم
یا چو روح برگزیدگان
همنشین خامش فرشتگان شوم
هرگز از زمین جدا نبوده‌ام

و مردی، در پیکار او هم‌رمز است
از روزی به روز دیگر،
کهنه راه‌های گذشته را به فراموشی می‌سپارد
و یک زن در یک زمانه.
اگر چه او به فاصله‌ای دور از نیمی از جهان با منست
در دلم چیزی مرا بر سخن وامی‌دارد
ما همه «یک زنیم»
پیروزی‌های تو بر ما نیز رفعت می‌دهد
چرا که ما همه «یک زنیم».
تو برمی‌خیزی و من سربلندتر می‌ایستم
چرا که ما همه «یک زنیم».
جهان تو جهان من است
و روزی چون خورشید رخشان خواهیم بود.
چون خورشید رخشان خواهیم بود!
چون خورشید رخشان خواهیم بود
چون خورشید رخشان خواهیم بود.
XXXXXX

گزارش جشن نوروز

دوستان عزیز سلام. امسال هم به مانند سال‌های گذشته جشن فراموش نشدنی انجمن تاکسیران برای برپائی مراسم نوروز و آغاز سال ۱۳۹۳ در سالن زیبائی در شهر Fontenay Sous Bois برپا گردید. حدود ساعت ۱۹،۴۵ دقیقه بود که من و خانواده‌ام به محل جشن رسیدیم. امسال خوشبختانه در مقابل درب ورودی پارکینگ شخصی مسئول بود و از ورود اتومبیل‌های متفرقه جلوگیری می‌کرد. پس از اینکه به راحتی ماشینمان را پارک کردیم روانه سالن شدیم. در مقابل درب ورودی مظفر و ژیللا حضور داشتند که بعد از گرفتن بلیط‌های ورودی ما را به داخل سالن هدایت کردند. ما به نظر خودمان فکر می‌کردیم که نسبتاً زود آمده‌ایم ولی متوجه شدیم که قبل از ما تعداد زیادی مهمان آمده‌اند. بخشی در سالن و عده‌ای در پشت بار و جمعی هم در صف تهیه غذا حضور داشتند. سفره بسیار زیبای هفت‌سین که بسیار با سلیقه و دقت فراوان توسط سوسن و هنگامه و زهره تهیه شده بود به چشم می‌خورد. در پشت بار هم مهرداد و ابی و آنسو هم جواد مشغول پذیرایی از مهمانان جشن بودند. در کنار میز هفت‌سین آلن دوست داشتنی و با محبت با دوربین عکاسی آماده بود از کسانی که تمایل

دارند در مقابل سفره هفت‌سین عکس یادگاری بگیرند. در مقابل درب ورودی سالن جشن دوستان مشغول دید و بازدید و روبوسی بودند و سوسن و زهره و مسعود از مهمانان استقبال کرده و آنها را به داخل سالن راهنمایی می‌کردند. ما وارد سالن شدیم مشاهده کردیم که سالن بسیار زیباتر از گذشته دکوراسیون شده میزها هم با رومیزی‌های سفید تزئین شده بود که با رنگ مجموعه سالن کاملاً هماهنگی داشت. در مجموع بیش از ۴ میز خالی نبود چون مهمان‌های جشن که بسیار از آنها را هم نمی‌شناختم میزها را اشغال کرده بودند. یک میز خالی در مقابل درب ورودی بود که به خاطر ازدحام مهمانان زیاد خواستار نداشت. ما همانجا را انتخاب کردیم چون از آنجا به کل سالن نظارت داشتیم. در وسط سالن قسمتی برای رقص در نظر گرفته شده بود که به راهرو ورودی وصل بود و نوازندگان هم با موزیک ملایمی سکوت سالن را شکسته بودند. حدود ساعت ۹ شب بود که دوستان یعقوب که مجری جشن بود شروع برنامه را اعلام نمود و مراسم به مانند سال‌های گذشته جشن نوروز با سورنا و سپس سرود «ای ایران» آغاز گردید و پس از پایان سرود موزیک شاد اجرا شد. پس از مدتی رقص و پایکوبی و سرو شام خوشمزه و متنوع که توسط رستوران پرشیانا طبخ شده بود و بوسيله و کمک مجید حضرتی، بهرام و محسن بهرامی که بسیار زحمت به دوش آنها بود، پخش شد، دوستان کوروش در لباس حاجی فیروز با رقص وارد سالن شد و بعد هم احمد جان با لباس عمو نوروز با در دست داشتن عیدی و کادو وارد سالن شد. بچه‌های کوچک هم از گوشه و کنار بدنبال او روان شدند تا عیدی خود را از دست او دریافت کنند و این خود به شور و شوق جشن می‌افزاید. بعد از پایان مراسم حاجی فیروز و عمو نوروز دوستان با لباس محلی گیلانی وارد سالن شدند و با موزیک زنده مراسم رقص گیلکی را اجرا کردند. پس از آنها دوستان کرد که اکثریشان با لباس‌های زیبا و رنگارنگ کردی به صورت هماهنگ و زیبا رقص کردی را اجرا کردند. سپس موزیک آذری اجرا شد. گویا به دلیل عدم اطلاع‌رسانی دقیق رقص آذری برنامه‌ریزی نشده بود از همین رو به مانند سال‌های قبل اجرا نشد.

تقدیم به همه فعالین جشن های انجمن

«وقتی برای کسی وقت می گذاری قسمتی از زندگیست را به او دادی که باز پس نمی گیری، حالا باید دقت کرد که برای کی وقت می گذاری»

دوستان گزارش مراسم نوروزی را به خواست زهره مسئول انجمن و فرشید مسئول نشریه تهیه کردم، گزارشی که بی حوصله تهیه شده بود شاید راستش را بخواهید رفع تکلیف کردم. اگر کسی از من سؤال کند که از گزارشی که نوشتی راضی هستی؟ در پاسخ به او جواب منفی خواهم داد.

ولی دلم می خواهد که دلیل آنرا همه بدانند چون سخنی که می گویم سخن دل است و سخنی که از دل برآید لاجرم بر دل نشیند. امیدوارم که به دل شما عزیزان هم بنشیند.

دوستان، من دو سال است که در مراسم نوروزی انجمن هیچ نقشی را به عهده نمی گیرم ولی به دلیل نزدیکی و ارتباط با دوستان از کلیه برنامه های جشن ها و فعالیت های اعضا انجمن برای برگزاری مراسم آگاه می باشم بسیار هم دقیق. دو سال است که من از جشن ها حداکثر استفاده را می برم و تازه متوجه می شوم که چرا این جشن های ما اینقدر مورد استقبال قرار می گیرد. جشنی که با فداکاری و از خودگذشتگی چند نفر بدون هیچگونه خواست مالی و به قیمت گذشتن از شب جشن و همراهی با خانواده و فقط و فقط برای اینکه به مجموعه مهمانان خوش بگذرد. طبیعی است که جشن خوبی از آب درمی آید و همه راضی خواهند بود و باز هم طبیعی است که برای سال بعد هم جا رزرو کنند و به دوستان نزدیکشان توصیه کنند که حتماً در جشن تاکسیران شرکت کنند.

من از خودم سؤال کردم که چرا و چه وظیفه ای داریم که عده ای از ما با جان و دل کوشش کنند و سرویس بدهند به اشخاصی که شاید بیش از ۵۰ درصد آنها را نشناسند، تازه از حق زن و فرزند یا شوهر و فرزند هم بگذرند به نفع دیگران و همه ساله هم همین جمع فعالیت جدی داشته باشند.

هنگامیکه این گزارش را می نوشتم یاد صحنه ای افتادم که چهار تن از دوستان به تناوب حدود ۳۰۰ بشقاب و کارد و چنگال را می شستند و دلم گرفت و نمی توانستم به راحتی به نوشتن ادامه دهم. زمانی که در تمام جشن یادم می آید که خانواده مجید

پس از آن موزیک مجدداً به برنامه عادی خود پرداخت و مهمانان هم به رقص و پایکوبی پرداختند. در این میان نیز همکاران از مهمانان با شیرینی ایرانی و نان خامه ای پذیرائی می کردند. پس از آن پذیرائی با شیرینی های شرقی شروع شد. شیرینی های اهدایی خانم Chalabi که هر سال برای جشن های ما سفارش می دهند.

حدود ساعت ۱۱ شب بود که متوجه شدیم چند نفر با لباس بسیاری زیبای عشاير شیرازی آماده اجرای رقص محلی شیرازی می باشند که خوشبختانه با هماهنگی با ارکستر آنها هم بروی صحنه آمده و به رقص بسیار زیبایی پرداختند که امیدواریم که این نوع رقص هم در برنامه های هنری انجمن جایگزین شود. از ساعت ۱۲ شب هم آزاد پسر حمید و سامان پسر رحمت موزیک را در دست گرفتند و فضای سالم را که گرم بود گرم تر کردند و پیر و جوان تا پاسی از شب به رقص و پایکوبی پرداختند. دوستان مصطفی هم مانند سال های گذشته مشغول تهیه فیلم و مصاحبه با حاضرین در جشن بود. بعد هم نان و پنیر سبزی که همه ساله یعقوب عزیز مسئول تهیه آن است آورده شد که با وجودی که مقدارش به اندازه بود با یک چشم به هم زدن به اتمام رسید. حدود ساعت ۲ شب بود که من به اتفاق بخشی از مهمانان دیگر جشن را ترک کردیم ولی بعد شنیدم که تا ساعت ۴ صبح فرشید و مهرداد به نظافت و جمع آوری وسایل باقیمانده جشن پرداخته بودند. البته بسیاری از دوستان نیز در کنار آنها همکاری می کردند.

من شخصاً از همگی فعالین جشن و مسئولین سپاسگزارم و دست همگیشان را می بوسم و افتخار می کنم که امسال هم توانستیم جشن باشکوهی را با همت و پشتکار مسئولین و فعالان انجمن به خوبی به اجرا درآوریم و این باعث افتخار ما اعضا انجمن تاکسیران است که حدوداً بیش از ۲۳ سال است که چنین مراسمی را با موفقیت بدون هیچگونه استفاده مادی به اجرا درمی آوریم و این سنن دیرینه را به سهم خودمان توانسته ایم برپا نگهداریم و به فرزندانمان بشناسانیم.

ممنون و سپاسگزارم.

داود

فرشید در ظرف چند سال فعالیتش در انجمن ما، به تنهایی به اندازه همه فعالین و مسئولین انجمن برای انجمن وقت گذاشته است. من با کمال صراحت تأیید می‌کنم که اگر پیگیری و پشتکار فرشید در چهار سال گذشته در برگزاری مراسم نوروزی نبود، شاید جشن‌ها به این خوبی برگزار نمی‌شد. در برگزاری مراسم جشن نوروزی، گذشته از فعالیت مسئولین و بخشی از فعالین انجمن، از نقش تعیین کننده و مفید فرشید نمی‌توان چشم پوشید و آن را مد نظر نداشت. من ضمن سپاسگزاری از فرشید و کلیه فعالین انجمن، از کلیه اعضا و مسئولین انجمن می‌خواهم که قدر این عضو مسئول و فداکار را بدانند، از او و از زحماتش قدردانی کنند و با کمک و همکاری با او نگذارند که نیروی او هدر رود زیرا زمانی را که فرشید قبل از جشن و هنگام برپائی جشن و حتی بعد از پایان جشن می‌گذارد، بیش از توان هر کسی است.

دوستان عزیز، اگر نام کسی از قلم افتاد، سهل انگاری من بوده و از همه تشکر می‌کنم. موفق و پیروز باشید.

داود

XXXXXXXXXX

متن خوشامدگویی سخنگوی هیئت مدیره در شب جشن نوروز ۱۳۹۳

رسید مژده که امشب بهشت در بند است
رسد به آرزویش هر آنکه آرزومند است
با فرا رسیدن بهار، گل و گیاه و سبزه جان تازه
می‌گیرد و جنبش و تلاش و کوشش در همه جا و
همه چیز دگربار از نو سر می‌گیرد.
نوروز نشانه دلدادگی و آزادی و پایداری انسان‌ها
و شکوفائی طبیعت، حس همدلی و هم‌پیمانی و
زدودن کینه‌ها و دشمنی‌ها و خشونت‌هاست.

نوروز روز نو و روز نوآوری و از نو به زندگی
امیدوار بودن و با هم‌نوع زیستن و نودوستی است.
امیدواریم با رسیدن بهار بتوانیم در فراز و
نشیب‌های زندگی با بردباری و پایداری، دلگرمی و
همبستگی راه‌ها را هموارتر کنیم.

در خاتمه از طرف انجمن تاکسیران برای یکایک
عزیزان خوشبختی و تندرستی و سرافرازی و نوروزی
پیروز و روزگار خوشی آرزو می‌کنم.

XXXXXXXXXX

حضرتی دور از او در میز بغل ما نشسته بودند و
مجید چپ و راست می‌دوید تا به اعضا و مهمانان بد
نگذرد، نمی‌توانستم راحت مطلب بنویسم. وقتی که
می‌دیدم مهرداد و فرشید در آشپزخانه به نظافت
می‌پرداختند و یا کارهای مربوط به جشن را که تمام
توانشان را گرفته بود و با آخرین رمق پیش می‌بردند
و هیچ لذتی از جشن نمی‌برند برایم خوشایند نبود.
یا زمانی که دوستان محسن بهرامی یا بهرام و
احمد و دیگران گذشته از سالن در آشپزخانه وقت
صرف می‌کردند و ظرف می‌شستند نمی‌توانستم
بی تفاوت بمانم. دوستان عزیز شاید اکثریت مهمانان
ندانند که چه مقدار برای این جشن‌ها نیرو گذاشته
می‌شود. بطور مثال دوستان حسین عازم ایران بود
با مشکلات کاری فراوان و سفر چند روزه، هم در
جلسه برای خرید وسایل جشن و هم برای بهبود
غذا، در آخر قبل از سفر هم اقدام به تهیه کادوها و
بسته‌بندی آنها کرد که همه اینها بیشتر از توان او
بود. یا سعید با داشتن مهمان و با مشکل سلامتی تا
بعد از ظهر روز جشن برای تهیه مایحتاج جشن و
حمل آنها درگیر بود باوجودی که همان شب تعداد
زیادی مهمان به خانه آنها می‌آمد.

در این جشن ما، هیئت مدیره به همراه فعالین
دیگر: ابی، جواد، احمد افشار، بهرام، مظفر، ژیل،
احمد جان و مجید حضرتی همه از چپ و راست
می‌دویدند تا به کسی بد نگذرد. باید از آنها پرسید از
جشن چه فهمیدند و چه لذتی بردند؟

من سؤال دارم که آیا بعد از ۲۳ سال هنوز
ضروری است که عده‌ای مشخص فدای جمعی شوند
که شاید اکثرشان متوجه زحمات اینان نشوند و
هیچگاه نفهمند که اینها چقدر نیرو برای جشن
گذاشته‌اند؟ یک هفته بعد از جشن شاید فردای
آنروز همه زحمات این افراد از یاد دیگران خواهد
رفت.

در این مدت ۲۳ سال مسئله‌ای که با آن برخورد
کرده‌ام این است که آنطور که لازم است از اعضا
فعال انجمن حمایت و پشتیبانی نمی‌شود. دوستان
عزیز چند سالی است که عضوی به انجمن ما
پیوسته که بسیاری از ما هنوز قدر کارآئی او را
نمی‌دانند و به فداکاری این جواهر ارزنده واقف
نیستند. این دوست عزیز و فعالمان فرشید است که
حتماً متوجه شده‌اید.

جشن نوروز ۱۳۹۳

به روایت یکی از اعضای هیئت مدیره

جشن نوروز مثل هر سال روز ۲۲ مارس در سالن جشن شهر Fontenay Sous Bois با حضور دویست و هشتاد نفر از خانواده‌ها و دوستان انجمن برگزار گردید. برنامه‌ریزی و تدارک این جشن که حاصل هفته‌ها گردهم‌آئی و بررسی جهت انتخاب سالنی با ظرفیت حدود ۳۰۰ نفر و سفارش و تهیه شام و دسر و سایر مخلفات از قبیل شیرینی و میوه و نوشیدنی و چیدن «هفت سین» و گل‌های روی میز و موسیقی زنده و خلاصه آنچه درخور یک شب ارزشمند و لایق مهمانانش باشد و صد البته که با استفاده از تجارب مسئولین سال‌های قبل، بوده است.

در اینجا لازم می‌دانم به جزئیات و نحوه تقسیم کار، اعم از هیئت مدیره و همچنین افرادی که هرکدام گوشه‌ای از این کار را به عهده داشتند بپردازم.

جستجو برای پیدا کردن سالنی مناسب با بودجه انجمن و به ظرفیت حدود ۳۰۰ نفر با توجه به انتخابات شهرداری‌ها که در ماه مارس برگزار می‌شد، کار آسانی نبود. در ابتدا به سالن سال قبل در Fontenay Sous Bois مراجعه و رزرو کردیم ولی تلاش بر این بود که سالنی با ظرفیت و قیمت مناسب‌تر و راه نه چندان دور پیدا کنیم. متأسفانه بعد از ده‌ها تماس و بازدید موفق نشدیم. بنابراین همان سالن سال قبل در Fontenay را که در شرف بازسازی و دکوراسیون جدید بود انتخاب کردیم.

پس از آن نوبت به تهیه شام و تدارکات دیگر رسید. هیئت مدیره با آقای فرشید که هم از لحاظ تجارب، مشاوره و همکاری قابل تحسین هست، هماهنگی لازم را به عمل آورد.

تهیه شام را به رامین مسئول رستوران پرشیانا سپردیم که دو نوع غذا با قیمت مناسب برای جشن تهیه و پخش کند.

تهیه غذای سرد و ساندویچ به خانمی از دوستان سوسن خانم عضو «هیئت مدیره» سپرده شد و سایر تدارکات اعم از خرید شیرینی و گل و میوه و نوشابه توسط اعضای هیئت مدیره و بعضی از دوستان به انجام رسید.

در اینجا لازم به توضیح می‌دانم که در همه موارد

و برای همه مواد اعم از غذائی و میوه و شیرینی و غیره، هم کیفیت برتر و هم قیمت‌های مناسب‌تری در نظر گرفته شد.

روز جشن سهیلا بهرامی، هنگامه حکیمی‌پور، خانم جواد، ژیلا، سوسن، زهره همگی از صبح به خرید و تهیه و حمل و جابجائی و چیدن و دکوراسیون سفره هفت‌سین و میز و صندلی‌های داخل سالن و تهیه سایر مواد غذائی خانگی شدند و بخصوص در آشپزخانه همکاری چشمگیر و سلیقه خانم‌ها همه را به وجد درمی‌آورد و همچنین پخش غذا و نوشابه و چای و غیره که همه و همه لازم به تقسیم کار در هر قسمت می‌بود، انجام گرفت. ضمن تشکر و قدردانی فراوان از دست‌اندرکاران جشن به نحوه تقسیم مسئولیت‌ها می‌پردازیم.

مسئول خرید تمام اجناس مهرداد و سعید سیار و محسن بهرامی، مسئولین درب ورودی خانم ژیلا و آقای مظفر، مسئولین بار ابی و جواد و مهرداد اجلال‌منش و مسئول آشپزخانه و پخش غذا و شیرینی و دسر، آقای فرشید که کل مسئولیت و تنظیم آن به عهده ایشان و احمد جان بود و خانم هایده حمل غذا از محل رستوران به سالن را به عهده داشت و همچنین محسن بهرامی و رامین و بهرام و مهرداد و مجید و چند نفر دیگر همکاری کردند. مسئول عکس و فیلم‌برداری و رپورتاژ آلن و مصطفی شدند. مجری برنامه آقای یعقوب و راهنمائی سالن با زهره ستوده و سوسن و مسعود اعضای هیئت مدیره بود.

پس از برگزاری جشن نوروز در جلسه‌ای که روز ۳۱ مارس جهت گزارش و جمع‌بندی کارها بود، با حضور هیئت مدیره و فرشید، نتیجه حاصل از آن بدین ترتیب است که اکثر مهمانان از سالن و نحوه برگزاری جشن راضی و دیدگاه‌ها مثبت بودند.

بیلان و هزینه جشن به توسط آقای فرشید و آقای محسن بهرامی (حسابدار انجمن) و زهره ستوده (مسئول انجمن) استعلام شد که حدوداً هزینه‌ها با درآمد حاصل از فروش بلیط و شام و نوشابه یکسان گردید.

به امید پیروزی و سربلندی شما، نوروزتان خجسته باد!

مسعود

باز هم نوروز!

بنده امسال عید نوروز را در ایران گذراندم. یکی از عید دیدنی‌هایم، دیدار از دوستی بود که در منزلش سفره هفت‌سین چیده نشده بود!! وقتی دلیلش را پرسیدم پاسخ داد: «ما امسال در اعتراض به گرانی کمرشکن نوروز را تحریم کرده‌ایم!» تفسیر و تعبیر این حرف را به عهده خودتان می‌گذارم.

تنها اثری از نوروز که در منزل این دوست دیده می‌شد سبزه‌ای بود روی تلویزیون و در کنارش دو برگه کاغذ که این اشعار روی آن با خط زیبای نستعلیق نوشته شده بود. کنجکاوانه اشعار را خواندم و بلافاصله از آن کپی برداشتم با این نیت که آنرا به نظر دوستانم در پاریس برسانم!

شاعر یکی از این قصیده‌ها فرخی یزدی است که در دوره رضاشاه می‌زیسته و دیگری کارو (برادر ویگن) که هنوز زنده است و در دوره محمد رضاشاه این شعر را سروده. لازم به اشاره است که قصد بنده از نوشتن این اشعار تبلیغ سیاسی نیست، امیدوارم آنرا به حساب خاصی نگذارید.

اولین قصیده را که در مورد حاجی فیروز است به کورش عزیز تقدیم می‌کنم!

شعر از «کارو»

ای کسانی که در این کشمکش عید سعید
سرکش و بی‌خبر و می زده با روی سپید
غرق در شوکت و در مکنت و بدمستی پول
به سیاهی شب بخت بدم می‌خندید
هم وطن خنده مکن بر رخ این حاجی خوار
زاده فقر کجا و طرب فصل بهار؟
مرغ حق یخ زده اندر قفس پول، هوار
قدرتی کو که برآید ز پس پول، هوار!
زیر خاک است گل و زینت گلدان‌ها خار
فقر می‌باردش از هر در و از هر دیوار
کی رسد روز و شود چیره بر این ظلمت‌تار
که پیاده‌ست در آن حق و ستمکار سوار
سرنوشت همه بازیچه‌ی مشت‌ی عیار
سر زحمت به طناب عدم از دار به دار
من بیکار که صد بار بمیرم هر روز
بالشم سنگ، دلم تنگ، تنم بستر سوز
کت من در گروی عید گذشته‌ست هنوز
به من آخر چه که نوروز سعید است امروز!

هفت سین من اگر بودی و می‌دیددی چیست
هم نشین من غارت زده می‌دیددی کیست
می‌زدی داد فلک تا فلک، زنگ به زنگ
که تقو بر تو محیط شرف آلوده به ننگ
هفت سین! وه که چه سینی و چه هفت از همه رنگ
سینه‌کشته دل و سوز و سرشکی گل رنگ
سرفه‌ها و تب و سرسام و سکوتی دلتنگ
سفره خالی و سرما و سری بر سر سنگ
آری ای هم‌وطنان، سالتان باد به صد سال فرخ‌بخش قرین
هفت سین کی به جهان دیده کسی بهتر از این؟
دیده هر سو که بیفتد ز یسار و ز یمین
سایه فقر، سیه کرده سر و روی زمین
سبزی برگ درختان همه بی لطف و حزین
زن غمین، مرد غمین، بچه غمین، پیر غمین
وه که سرتاسر این ملک ستم دیده زار
نفسی نیست دهد مرده ز ایام بهار
شیون و درد و فغان، داده به سر باد وزان
جای می خون سیه می‌چکد از چشم رزان
اینکه چیزی نبود ای هم وطن، بدتر از آن
این عجیب است که افتاده ز پا چرخ زمان
کی فلک دیده به خود فصل خزان، بعد خزان؟
و اما قصیده دوم:

سراینده شعر: فرخی یزدی

سوگواران را مجال بازدید و دید نیست
باز گرد ای عید از زندان که ما را عید نیست
گفتن لفظ مبارک باد طوطی در قفس
شاهد آینه دل داند که جز تقلید نیست
عید نوروزی که از بیداد ضحاک‌ی عزاست
هر که شادی می‌کند از دوده جمشید نیست
سر به زیر پر از آن دارم که دیگر این زمان
با من آن مرغ غزل‌خوانی که می‌تالید نیست
بیگناهی گر به زندان مرد از بی عادل
ظالم مظلوم کُش هم تا ابد جاوید نیست
ولی بر شهری که در آن مزد مردان درست
از حکومت غیر حبس و کشتن و تبعید نیست
صحبت عفو عمومی راست باشد یا دروغ
هر چه باشد از حوادث فرخی نومید نیست
به امید داشتن نوروزهایی مملو از عشق و صفا و
صلح و دوستی و...

صفا

XXXXXXXXXX

به نقل از دکتر حسابی

حاصل ضرب توان در ادعا مقداری ثابت است. هرچه توان انسان کم تر باشد ادعای او بیشتر است. هرچه توان انسان بیشتر شود، ادعایش کم می گردد.

گستاخ سخن مباش با کس

تا عذر خطا نخواهی از پس

گر سخت بود کمان و گر سست

گستاخ کشیدن آفت توست

گر سست بود ملالت آرد

ور سخت بود خجالت آرد

هر قفل که خواهی اش گشودن

شرط است نخستش آزمودن

لیلی و مجنون (نظامی)

خانه پرعیب شد این کارگاه

خود مکن هیچ به عیبش نگاه

چشم فرو بسته ای از عیب خویش

عیب کسان را شده آئینه پیش

عیب نویسی مکن آینه وار

تا نوشی از نفسی عیب دار

یا به درافکن هنر از جیب خویش

یا بشکن آئینه عیب خویش

دیده ز عیب دگران کن فراز

صورت خود بین و در او عیب سا ز

در همه چیزی، هنر و عیب هست

عیب مبین، تا هنری آری به دست

مخزن الاسرار (نظامی)

تهیه و تنظیم از داود

XXXXXXXXXX

گزارشی از مذاکرات سندیکاها با نماینده

مجلس فرانسه در ۱۰ مارس ۲۰۱۴

گروه سندیکاهای CGT, STM, SDCTP,

FT175, FO, CST, CFDT توسط آقای تونو

Thévenoud نماینده مجلس فرانسه در

چارچوب مأموریت اش پذیرفته شدند. هدف

اصلی این گردهمایی این بود که معلوم شود بعد

از ملاقات های اولیه به چه صورتی مأموریت برای

مذاکرات ادامه پیدا خواهد کرد. نمایندگان

سندیکاها مقدماً به آقای نماینده مجلس اظهار

داشتند که بعد از چند روزی که جنبش

تاکسی ها ادامه داشت، با کمال تأسف، کنترل

VTC هائی که آشکارا به کار خود ادامه

می دهند، کاهش یافته است. آقای نماینده اظهار داشت که بخشنامه ای در روز جمعه ۷ مارس رسماً به وزارت خانه ها ابلاغ شده است که هدفش بسیج دوباره Préfet ها برای تشدید کنترل VTC ها می باشد.

به ایشان خاطر نشان کردیم که یکی از اشکالات VTC ها این است که قابل کنترل نیستند. وی به ما اطمینان داد که هدف این بخشنامه دقیقاً همین است که بررسی ای کلی صورت بگیرد و این بخشنامه کمکی است به Préfet ها که از عهده مشکلاتی که در کنترل VTC ها برای آنها پیش می آید، برآیند (تا ۴ آوریل).

نمایندگان سندیکاها سؤال کردند که عملیات سرویس های غیرقانونی بعضی از دست اندرکاران حمل و نقل مسافران (حمل و نقل اشخاص توسط رانندگان خصوصی، نرخ گذاری براساس زمان و کیلومتر...) و سؤال دیگر آن که اقدامات DGCCRF در چه مرحله ای است.

آقای تونو جواب قانع کننده ای نداشت به ما ارائه دهد و این مایه تأسف است زیرا می بینیم که کشور همسایه ای مثل بلژیک، این مسئله را جدی تر گرفته است (توقیف و ضبط وسایل نقلیه ای که این نوع سرویس را انجام می دهند و حمایت بی دریغ دولت از حرفه تاکسی...) ولی آقای تونو دوباره تأکید کرد که امروز صبح در جلسه ای در کاخ نخست وزیری، تقاضا کرده است که این مشکلات برای قضاوت به دادگستری ارجاع شود.

همچنین از ایشان خواستیم که در مورد رانندگان تاکسی که در ماه فوریه، طی روزهای اعتصاب، توسط پلیس تحت پیگرد قرار گرفته و جریمه شده اند (زیرا تقاضای مکرر ما در این مورد بی جواب مانده است) در Préfecture اداره پلیس پاریس اقدام به میانجی گری کند.

آقای تونو اظهار داشت که این مسئله از حوزه اختیارات وی خارج است اما این تقاضای شما را به آنها منتقل خواهیم کرد.

آقای تونو سپس روش کارش را تشریح کرده اظهار داشت که در جلسات آینده، دست اندرکاران VTC شرکت خواهند کرد. نمایندگان سندیکاها که از حضور این افراد مطلع شدند، نارضایتی خود را به این دلیل که بعضی از این «عوامل» قانون را

خوداشتغالی و نارسایی‌های اجتماعی

طبیعی است که نارسایی‌های اجتماعی در ارتباط با اشتغال به قدری گسترده است که در یک نوشته کوتاه نمی‌توان به همه زوایای آن پرداخت. بنابراین، فقط به یکی از نارسایی‌ها که ناشی از خوداشتغالی است، می‌پردازیم؛ ضمن اینکه یادآوری می‌شود که کار «راننده تاکسی»، زیرمجموعه‌ای از خوداشتغالی است.

لازم به ذکر نیست که برای کاهش ساعت کار، مبارزات بسیاری انجام شده و به موفقیت‌های چشمگیری نیز دست یافته است و اگر در یک قرن پیش، برای هشت ساعت کار در روز، مبارزات خونینی به وقوع پیوسته است، ولی امروزه بحث بر سر پنج یا شش ساعت کار در روز است، بدون اینکه بخواهیم به جزئیات مکانیسم کار و محصول آن در یک کشور بپردازیم، پرواضح است که اگر انسان‌ها کار داشته باشند، با همین میزان کار، همه انسان‌های جهان می‌توانند سعادتمند شوند و به موازات آن مسائل تربیتی و فرهنگی نیز از رشد قابل توجهی برخوردار و روابط انسانی جایگزین روابط تصنعی قرن بیست و یکم خواهد شد. اما چرا سیستم‌های حکومتی، با اینکه در برابر این مبارزات عقب‌نشینی کردند و تحت فشار و اعتراض مردم، روزی پنج ساعت را در لایحه‌های نمایندگانشان به تصویب رساندند، اما از سوی دیگر، به «بیکارسازی‌های با برنامه» و «ایجاد شغل‌های از پیش تعریف شده»، با هدف سود بیشتر، مبادرت ورزیدند؛ چنانچه بخواهیم لحظه‌ای، چشمانمان را از قوانین روی کاغذ دور کنیم و به تبلیغات رسانه‌ها بی‌اعتنا باشیم، بدیهی است واقع‌بینانه به جامعه خواهیم نگریست. در بخش خدمات رسانی همین جامعه، نقش کارفرمای مستقیم حذف شده است ولی ساعت کار به طور تقریبی به دو برابر ساعت کار مرسوم افزایش یافته است و نسبت به قانون سی و پنج ساعت کار در هفته در تعارض کامل قرار دارد، در حالیکه آبی از آب تکان نمی‌خورد، در واقع با یک نگاه کلی درمی‌یابیم که سود بیشتر کارفرمای پنهان تأمین شده است.

همانطور که می‌دانیم، راننده تاکسی در فرانسه، به طور رسمی یازده ساعت باید کار کند و یا

رعایت نمی‌کنند، ابراز نمودند. چگونه می‌توان با کسانی که آشکارا قانون را نقض می‌کنند، کار کرد؟ مثل اینکه مغازه‌داران با شرکت و حضور دزدانی که به مغازه آنان دستبرد می‌زنند در جلسه‌ای موافقت کنند. به اضافه، ما کاملاً واقفیم که این کارفرمایان، منافع شخصی را دنبال می‌کنند و با منافع خدمات عمومی حمل و نقل مردم متفاوت است، زیرا بنا بر تعریف، این اشخاص قبل از هر چیز در جستجوی سود و فایده خود هستند.

بنابراین نمایندگان سندیکاها با حضور این «عوامل» مخالفت کرده و یادآوری کردند که رانندگان تاکسی انتظارات بسیاری از دولت دارند ولی مطمئناً از این کارفرمایان سودجو نمی‌توان هیچ انتظاری داشت.

گروه‌های کار که توسط آقای تونو هدایت خواهند شد عبارتند از:

- مقررات رقابت قانونی

- مدرنیزاسیون و ابداع در حمل و نقل افراد

- ویژگی ایل دو فرانس (پاریس بزرگ)

- Transport Assis Professionnalisé

آقای تونو چندین مسافرت مطالعاتی به لندن و بروکسل را از قبل پیش‌بینی کرده است. نمایندگان سندیکاها، به آقای تونو گوشزد کردند که به مقایسه شتابزده و اغلب بی‌نتیجه بین محدوده‌های شهری که از هر نظر کاملاً با یکدیگر متفاوتند، اعتراض نماید. بر همین روال آقای تونو را از خطر گسترش سرویس VTC توسط SNCF، که وی قرار ملاقات با آن را داشت، آگاه کردند. این مسئله انحرافی جدید و غیرقابل قبولیست.

در ادامه جلسات اولیه (۱۲ و ۱۳ فوریه) آقای تونو تأیید کرد که در گروه‌های کار، اساسنامه رانندگان تاکسی‌های اجاره‌ای و مدرنیزاسیون (کارت بانکی) تاکسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نمایندگان سندیکاها راجع به سرانجام «مأموریت برای آخرین شانس» گزارش آن تا تاریخ ۱۲ آوریل آینده آماده خواهد شد) احتیاط را از دست نمی‌دهند و به آقای تونو یادآوری کردند که شکست این مأموریت برای حرفه تاکسی در فرانسه دراماتیک خواهد بود. هشیار باشیم!

تهیه و تنظیم: شهزاد

یک خانواده سوئدی اصل، ولی هر دو شیفته فرهنگ و ادب و تاریخ ایران بودند و در این راه هر کدام به طریق مؤثر دین خود را ادا کردند، یادشان گرامی باد!

محمد ابراهیم باستانی پاریزی، ادیب و مورخ ایرانی، متولد پاریز از توابع سیرجان تحصیلاتش را در زادگاهش شروع و سپس وارد دانشکده تاریخ و ادبیات دانشگاه تهران شد و تا درجه دکتری ادامه داد.

او یکی از اولین ساکنان کوی دانشگاه تهران در خیابان امیرآباد (کارگر شمالی فعلی) بود که توسط علی اکبر سیاسی رئیس دانشگاه تهران تأسیس شد. آقای باستانی پس از اتمام تحصیلات به استخدام دانشگاه تهران درآمد و از اواخر سال‌های ۱۳۳۰ خورشیدی تا سال ۱۳۸۷ استاد تمام وقت دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بود. او حتی با کهولت سن راضی به ترک تحقیق و تدریس نبود تا اینکه بطور غیرمترقبه همزمان با بازنشستگی بیست و یک استاد دیگر حکم او نیز صادر شد!

از او ده‌ها کتاب و صدها مقاله در مجلات مختلف به چاپ رسیده است. بخش قابل ملاحظه‌ای از نوشته‌هایش همچون از «پاریز تا پاریس» در باره زادگاهش کرمان است و یا «پیغمبر دزدان» که در سال ۱۳۸۲ به چاپ هفدهم رسید شامل نامه‌های شیخ محمد حسین زیدآبادی نویسنده و طنزپرداز دوره قاجاریه است که پاریزی به شرح حال این روحانی و عارف کرمانی می‌پردازد.

او گرچه در سبک از تاریخ نویسان سنتی است ولی نثر شیوا و روان اوست که با مایه‌ای از طنز و شوخ طبعی همراه است و ویژگی خاصی به آثار او می‌دهد و خواننده را به خود جلب می‌کند بدون اینکه از ارزش علمی کار او کاسته شود!

باستانی هشتاد و هشت سال عمر کرد و روز پنجشنبه هفتم فروردین پیکر او از مقابل دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به سوی گورستان بهشت زهرا تشییع شد تا بنا به وصیتش در کنار آرامگاه همسرش دفن شود.

ریچارد نلسون فرای، ایران شناس برجسته آمریکائی، استاد دانشگاه هاروارد، نیز در پنجشنبه ۲۷ مارس در شهر زادگاهش بوستون درگذشت. او در نیم قرن گذشته بارها به ایران سفر کرد و در عرصه بین‌المللی از نام «خلیج فارس» در

می‌تواند کار کند که مخارج مختلف، از جمله مالیات‌های رنگارنگ و هزینه‌های زندگی را کسب کند، اگر چه انتخاب این شغل، اختیاری است، ولی تعداد قابل توجهی از مهاجران، این شغل را از روی ناچاری انتخاب کرده‌اند که با کارفرمای مستقیم، سر و کار نداشته باشند و یا به زبان ساده، خودشان کارفرمای خودشان باشند تا از بیکاری مزمن در جامعه در امان باشند، اما آسیب‌های درازمدت آن را آگاهانه یا ناآگاهانه، به جان خریده‌اند.

ساعت کار طولانی، ارتباط‌های اجتماعی و خانوادگی را کم‌رنگ می‌کند و حضور نداشتن مداوم در میان خانواده و نیاز به استراحت بیشتر، به طور کلی مسائل تربیتی و رشد فرهنگی در ارتباط با خانواده، به ویژه کودکان را زیر سؤال می‌برد، عدم استراحت کامل و خواب‌های نامنظم، آسیب‌های جدی به رفتار و رشته اعصاب و پردازش ذهنی ایجاد می‌کند، کم‌خوابی یا بدخوابی، منجر به از دست دادن سلول‌های مغز می‌شود. بررسی و مطالعات دانشکده پزشکی پنسیلوانیا حاکی از آن است که «شواهدی جدی وجود دارد که از دست دادن خواب، می‌تواند به آسیب‌های غیرقابل بازگشت منجر شود».

نتیجه اینکه، چنانچه به جایگاه خودمان در چرخه‌های اقتصادی آگاه باشیم، آنگاه آسیب‌های اجتماعی آن را نیز خواهیم شناخت و سپس با درایت و هوشمندی باید در جستجوی توازنی گشت که در کنار کار طاقت‌فرسا، بتوان به استراحت و خواب لازم نیز اهمیت داد تا مانعی بر آسیب‌ها باشیم و مهم‌تر از همه در لابلای این پیچیدگی‌ها به رشد فکری، تربیتی و فرهنگی نیز باید توجه داشت تا در کنار نسل نو با پویایی جامعه، نقش انسانی خویش را ایفا کنیم. چه بسا با دامن زدن به این موضوع برای یافتن راه حل، به مشورت بپردازیم.

محسن بهرامی

XXXXXXXXXX

به مناسبت درگذشت باستانی پاریزی و ریچارد فرای (Richard Fry)

در ماهی که گذشت دو شخصیت و خدمتگزار ایران زمین، دو چهره تاریخی و ادبی ما را ترک کردند. باستانی پاریزی در منطقه پاریز کرمان زاده شد و ریچارد فرای در شهر بوستن امریکا از

تسلیت

همکار محترم آقای حمید ادهم
بدین وسیله مصیبت وارده را به شما و خانواده
گرامیتان تسلیت گفته، برای شما صبر و شکیبائی
آرزومندیم.

انجمن تاکسیران

اطلاعیه

جلسه عمومی انجمن تاکسیران، اولین دوشنبه هر
ماه ساعت ۱۹:۰۰ در رستوران الهام برگزار می گردد.

Chez - Elham, 11, Rue de la REYNIE

75004 Paris - Métro : Chatelet-Les-Halles

حضور در جلسه عمومی انجمن تاکسیران، برای
کلیه همکاران (عضو و غیر عضو) آزاد می باشد.

دوستان و همکاران محترم برای دریافت اطلاعات در
رابطه با حرفه تاکسی و ماهنامه انجمن تاکسیران
می توانید به سایت زیر مراجعه کنید:

www.1nega.free.fr

دعوت

به جلسه عمومی انجمن تاکسیران

از کلیه اعضای انجمن و همکاران گرامی دعوت
می کنیم که در جلسه عمومی انجمن در ماه
آوریل شرکت نمایند.

زمان: دوشنبه ۷ ماه آوریل

مکان: رستوران الهام

ساعت شروع جلسه: ۱۹:۳۰

دستور جلسه:

۱ - سخن هیئت مدیره

۲ - حضور مادام Chalabi در رابطه با حسابداری

۳ - بحث آزاد

حضور فعال شما به غنی کردن جلسه می افزاید.

موفق و پیروز باشید

هیئت مدیره انجمن تاکسیران

برابر نام «خلیج عربی» که جعلی اش می خواند
دفاع نمود. علاقه آقای فرای به ایران و حوزه
تمدنی آن به حدی بود که علی اکبر دهخدا
(صاحب لغت نامه دهخدا) او را «ایران دوست»
می نامید لقبی که تا پایان عمر، آقای فرای خود
را وامدار آن می دانست.

ریچادر فرای از بنیانگذاران مرکز مطالعات ایرانی در
تهران، مشاور کتابخانه پهلوی و از سازمان دهندگان
مدرسه مطالعات ایرانی در شیراز بود و نه تنها به زبان
فارسی بلکه به چندین زبان دیگر از جمله اوستائی،
پهلوی و سغدی نیز آشنایی داشت. در باره
دست آوردهای فرهنگی و پژوهشی او، علی دهباشی
(مدیر مجله بخارا) می گوید که او از آغاز گران شناسایی
تاریخ و تمدن ایران در امریکا است.

آقای فرای در سال ۱۹۴۶ دکترای خود را در
رشته تاریخ و زبان شناسی از دانشگاه هاروارد
دریافت کرد و نخستین کسی بود که بر کرسی
ایران شناسی دانشگاه هاروارد، که جزو قدیمی ترین
کرسی مطالعه تاریخ و زبان های ایران باستان در
امریکا است تکیه زد. او همچنین بنیانگذار مرکز
ایران شناسی دانشگاه کلمبیا در نیویورک بود و
دانشجویان او نیز کارهای ارزنده ای در باره تاریخ و
تمدن ایران انجام دادند.

از او کتاب های بسیاری در باره تمدن ایران بر
جا مانده که از آن میان می توان به «میراث
باستانی ایران» اشاره کرد که وی آن را به
خلق های مختلف ایران هدیه کرده است. اخیراً
خاطرات خود را در کتابی به نام «ایران بزرگ»
نگاشت که افراد مهم سیاسی و فرهنگی هفتاد
سال گذشته و ملاقات های او را با آنها نشان
می دهد. در واقع او به تمام مناطق حوزه فرهنگ و
تمدن ایران مسافرت کرد و سعی داشت از نزدیک
نحوه زندگی، آداب و رسوم و فرهنگ این اقوام
مختلف را درک کند! به عبارت دیگر کسی نبود
که پشت میز نشسته و از طریق کتاب ها و اسناد
مختلف به شرح حال این منطقه نظاره کند و
کتاب بنویسد.

او چنان علاقه وافری به ایران داشت که در سال
۲۰۰۸ درگفت و گو با شبکه CNN گفت که آرزو دارم
پس از مرگ درکنار زاینده رود اصفهان دفن شوم!

رسول